



تحلیل دینی از جنگ و جهاد

فاطمه صادقی زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

- این مقاله باهدف یادآوری ارزشها و فضیلت‌های دوران دفاع مقدس در حد توان خود می‌کوشد تا:
- ۱- با ارائه تعریف روشنی از جهاد، جهاد رزمی را از سایر اقسام جهاد متمایز سازد.
 - ۲- با ذکر برخی از شیوه‌های عملی پیامبر در دعوت مردم به سوی حق، جهاد را به عنوان آخرین شیوه در دعوت اسلامی معرفی کند.
 - ۳- ضمن بحث از موارد مشروعیت جهاد، روح جهاد اسلامی را بیان کند.
 - ۴- صحنه‌های جهاد را به عنوان میدانی از عرصه‌های امتحان انسان معرفی کند.
 - ۵- جهت ترجیح جهاد رزمی بر جهاد مالی را بخوبی تبیین نماید.
 - ۶- دیدگاه‌های مختلف مؤمنان را درباره جنگ و جهاد بیان کند.
 - ۷- اصناف و طبقات مختلف مردم را در رویارویی با مسأله جنگ و جهاد برشمارد.

مقدمه

موضوع جنگ و جهاد در سالیان اخیر به عنوان یکی از محورهای اصلی فعالیتهای فرهنگی مطرح بوده است. هر کس می‌تواند با مراجعه به حافظه خود، نوشته‌ها، اظهارات، سخنرانیها و آثار هنری را به خاطر آورد که هر یک از دیدگاهی خاص با انگیزه‌ها و اهدافی معین با پدیده جنگ و جهاد رویارویی داشته‌اند. در حالی که گروهی برای حفظ و حراست ارزشهای دوران دفاع مقدس همت گماشته‌اند، گروهی دیگر تمامی تلاش خود را در جهت از میان بردن آن ارزشها و کم‌رنگ کردن آنها به کار گرفته‌اند. شاید برخی پرداختن مجدد به موضوع جهاد را تنها در دوران جنگ، مفید و لازم بدانند؛ حال اینکه پیش از ورود به هر میدانی باید پیشاپیش از نظر فکری و تمهید مقدمات، خود را تجهیز کرد. به همین سبب مطابق تعالیم دینی، امت اسلامی همواره باید برای دفاع از حریم خود آماده باشد. از سوی دیگر ارزیابیهای غلط و مغرضانه از فداکاریها و ایثارگریهای جوانان پرشور، طی سالهای دفاع مقدس، بزرگنمایی خسارات مادی و معنوی آن دوران، نمایش وضعیت نابسامان بازماندگان و جانبازان به آسانی می‌تواند نسلهای بعدی انقلاب را، که خود بطور مستقیم در جریان دفاع مقدس هشت ساله نبوده به هنگام نیاز از همراهی با کاروان عشق و جهادگران با ایمان باز دارد. لذا لازم است اندیشمندان و فرهنگ‌سازان جامعه، آشنا کردن مردم با ارزشهای مقدسی چون رشادت، سربازی، ایثار و شهادت، آیین رزم‌آوری، فرهنگ بسیجی را وجهه همت خود قرار دهند و به این ترتیب مانع از فراموشی آن ارزشها شوند.

جهاد و حقیقت آن

جهاد، معنا و حقیقتی دارد که در عرصه‌های مختلف مصداق پیدا می‌کند. گرچه اصطلاحاً به رویارویی با دشمن در میدان نبرد، جهاد اطلاق می‌شود، لیکن از جهتی دیگر، هر کار و فعالیتی که هم نوعی تلاش باشد و هم در مقابله با دشمن صورت پذیرد، می‌تواند "جهاد" نام گیرد.^(۱) تلاش در مقابل دشمن، اگر در میدان جنگ

است جهاد رزمی خواهد بود و در میدان سیاست، جهاد سیاسی است. در جهت سازندگی و توسعه جامعه، این تلاش جهاد سازندگی است. در صحنه‌های فرهنگی، جهاد فرهنگی نام دارد و در میدان مقابله با دشمن درون - نفس - جهاد اکبر شکل می‌گیرد. به این ترتیب هرکس در رویارویی با دشمنان در جهت تضعیف دشمن تلاش کند جهاد فی سبیل الله کرده است. البته بدون تردید یکی از مهمترین جهادها، جهاد فکری است. دشمنان در این میدان درصدد انحراف افکار و اغفال افراد جامعه هستند و در این راستا هر که در جهت روشنگری افکار مردم بکوشد از وقوع انحراف فکری جلوگیری کند و مانع از سوء فهم مردم شود جهاد کرده است.^(۲) ایران ما هم اکنون کانون جهاد است و هرکس می‌تواند مجاهد فی سبیل الله باشد.

این حدیث شریف از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) بخوبی بیانگر اهمیت جنگ و جهاد است: «آن کس که جهاد نکند و یا لا اقل آرزوی جهاد را در دل خود نداشته باشد یا فکر و اندیشه جهاد در قلبش نباشد با نوعی نفاق می‌میرد.»^(۳) لذا مؤمن در هر حال باید آماده حضور در جبهه‌ها باشد.^(۴) خود این آمادگی و آرزو در انسان نشانه ایمان به شمار می‌آید. پیشوای مجاهدان زمان، امام راحل (رحمة الله علیه) در این زمینه چنین هشدار می‌دهند: «آنهایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیل از ادای تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش و حادثه دور کرده‌اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته‌اند و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید.»^(۵) اعراض و برخورد تند و قهرآلود پیامبر گرامی اسلام و مسلمانان نسبت به کسانی که از شرکت در جبهه‌ها تخلف کرده بودند^(۶) بخوبی نشانگر اهمیت جهاد در دورانی است که از سوی خدا حکم جهاد صادر شده است. مطابق برخی از روایات، جهاد بایی از ابواب بهشت است که خدا تنها برای اولیای خاص خود، آن را می‌گشاید.^(۷)

در بسیاری از کتابهای فقهی مباحث گوناگونی درباره جهاد، معنا، اقسام، ماهیت

و احکام آن مطرح شده است؛^(۸) گرچه در عمل، موضوع جهاد بر خلاف سایر ابواب فقهی گسترش لازم را نیافته و به همین جهت لازم است با تأسیس نظام پر برکت اسلامی با نگاهی دیگر به این‌گونه مباحث پرداخته شود.

جهاد، آخرین شیوه در دعوت اسلامی

واقعه‌های مسلم تاریخی درباره شیوه‌های عملی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) همه نشانگر این است که پیامبر همواره در صدد گسترش و توسعه محدوده دعوت اسلامی بوده است. همان کسی که در سالهای نخست دعوت هیچ‌گونه شتابی در اعلان بیزاری از شرک و بت‌پرستی از خود نشان نمی‌داد در دوره‌ای خاص از جهاد مسلحانه، با مشرکان سخن می‌گوید و در عمل نیز به جنگ با کفار اقدام می‌کند. گرچه دعوت اسلامی در تمامی این دوران مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است، از یک نظر می‌توان دو مرحله کلی در دعوت اسلامی ملاحظه کرد:^(۹) مرحله نخست در مکه شکل گرفته است. خطابهای قرآنی در این دوران با تمامی مردم بوده است و محتوای آن را بیشتر، تبیین عقاید دینی، جدالهای فکری شرک و توحید، بیان حقایقی در باب قیامت و ارائه اهداف کلی اخلاقی و فقهی تشکیل می‌دهد. مرحله دوم هنگامی آغاز می‌شود که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مدینه نخستین جامعه دینی را تأسیس کرده است. در آیاتی که در مدینه نازل شده معمولاً سخن از حدود الهی، فرائض دینی، احکام شرعی، برائت از مشرکین، اذن جهاد، لزوم دفاع و رویارویی در برابر مهاجمان، جهاد مسلحانه با مشرکان و حتی اهل کتاب به میان آمده است. هدف پیامبر در نخستین مرحله، اصلاح اندیشه و افکار مردم و زدودن اندیشه‌های جاهلی از اذهان آنهاست ولی پس از تأسیس جامعه دینی، اصلاح آداب و ارزشهای اجتماعی، تبیین احکام شرعی و گسترش دعوت اسلامی مورد نظر پیامبر است. البته دوگانگی و تفاوت آشکار این دو مرحله از دعوت اسلامی تنها مربوط به تفاوت واقعیات عملی و نیازهای مربوط به این دو دوره است نه نشانه تغییر در اهداف اسلامی و تفاوت

استراتژی پیامبر یا دلیلی بر دوگانگی شخصیت وی.

نخستین و اصیلترین شیوه پیامبر (صلی الله علیه وآله) در دعوت به سوی حق، هدایت فکری مردم از راه استدلال و تقویت روح تفکر در ایشان بود. این شیوه نه تنها در تمامی دوران حضور در مکه دنبال شد بلکه بنا به دعوت مکرر و دائمی قرآن به تأمل و تدبّر و توصیه پیامبر و تمامی مسلمین به دعوت از راه حکمت و موعظه و جدال احسن تا پایان ادامه یافت.^(۱۰) آنچه یادآوری آن ضروری می نماید این است که در کنار روش احتجاج و استدلال و حتی پیش و بیش از آن، پیامبر از راه "محبت" به حق دعوت می کرد تا آنجا که از نظر برخی از اندیشمندان، بهترین و کوتاهترین راه هدایت و اصلاح همانا محبت و دوستی اولیای الهی است. البته محبت و عشق حقیقی بی شک پیرو ساز، تعهد آور و الزام بخش است.^(۱۱) بر این اساس امام رحمت، علی (علیه السلام) حتی در برابر مردمانی که برای نابودی حکومت او همقسم شده اند با نهایت محبت و خیرخواهی روبه رو می شود و چون پدری مهربان برای هدایت آنها به هر اقدامی متوسل می شود و تنها هنگامی که چاره ای جز اعمال خشونت نیست شدت عمل نشان می دهد. حتی در این حال همین قهر و غضب نیز جلوه ای از رحمت و محبت وی است.^(۱۲)

گرچه پس از طی مرحله اول دعوت اسلامی و تشکیل نظام دینی در مدینه نیازها و وضعیت دیگری به وجود آمد و در جامعه دینی - سیاسی مدینه دیگر ممکن نبود دعوت اسلامی تنها با روش محبت و امتجاج صورت پذیرد، هیچگاه این دو روش به کناری نهاده نشد؛ حتی در مدینه تمامی غزوات و سرایا به عنوان دعوت به اسلام و پس از بیان حق و اتمام محبت آغاز می شد. در کتابهای فقهی، مسأله لزوم دعوت به اسلام در آغاز جنگ به عنوان اصلی مسلم مطرح شده است.^(۱۳) بر این اساس در صدر اسلام، مسلمانان تنها پس از دعوت به توحید و نبوت و بیان عقاید خود اجازه جهاد و نبرد با مشرکان را می یافتند. به این ترتیب می توان گفت اساس و روح جهاد اسلامی هدایت مردم به توحید و دعوت به سوی حق و اسلام است.

از تأمل در آیات قرآنی در زمینه جهاد چنین استفاده می‌شود که در اسلام، جنگ تنها برای هدفهای کاملاً دینی و انسانی رواست و مقصود نهایی از آن برپاداشتن دین و رونق آیین خداپرستی است.^(۱۴) اسلام با اینکه در طبیعت خود سلم جو و صلح طلب است و در فضای مسالمت‌آمیز و محیط آرام بهتر می‌تواند عقاید حق خود را عرضه کند، با این حال هیچگاه نمی‌کوشد نظر خود را درباره جهاد و دفاع و لزوم آن پنهان سازد یا به صلح و آرامش کاذب و غیرقابل اعتماد تن دهد. با اینکه اتهام "اسلام دین خشونت و شمشیر است"^(۱۵) اتهامی ناروا و سنگین بوده ولی با این حال دین مبین اسلام برای جنگ نیز احکامی وضع کرده است. برخلاف آیین مسیحیت که تعالیم آن تنها برای اولیا و پارسایان مقرر شده و به ظاهر نرم و معتدل است ولی همین آیین، نه می‌تواند وجوه نامنزه و زیاده‌طلبی‌های طبیعت انسانی را در میان پیروان خود از بین ببرد و نه در عمل توانسته است جنگ و خونریزیها را از جهان مسیحی دور نگاه دارد. واقعیت‌های تاریخی گواه است مسیحیت از لحظه‌ای که به تمدن و امپراتوری بزرگ مبدل گردید ناچار شد - نه فقط برای دفاع از کیان خود بلکه برای گسترش سلطه خویش - شمشیر به دست گیرد و به حیات خود با زورگویی تمام ادامه دهد.^(۱۶) ولی اسلام به جای نادیده گرفتن پدیده مکروه و ناخوشایند جنگ، آن را به عنوان واقعیتی می‌پذیرد و می‌کوشد با شیوه‌های گوناگون از بروز آن جلوگیری به عمل آورد و در صورت بروز آن قوانینی از پیش برای آن وضع کند تا به این طریق حتی الامکان مانع گسترش آن و افزایش زیانها و پیامدهای آن شود.

صحنه‌های جنگ و جهاد، میدان آزمایش انسان

در میان موجودات، گروهی هستند که امکان هیچ‌گونه ترقی و پیشرفتی را ندارند و همه کمالات در خور آنها از ابتدا و بالفعل در نهاد آنها به ودیعت نهاده شده است. در برابر، گروهی قرار دارند که علاوه بر برخی فعلیتهای، قوا و استعدادهایی دارند که در صورت جمع شرایط خاصی به فعلیت می‌رسد و به تکمیل و متمم آن موجود

منتهی می‌شود. برخی از موجودات گروه دوم در این مسیر فاقد اختیارند و برخی دیگر راه تکامل را با اختیار و اراده تمام طی می‌کنند.^(۱۷) انسان از این گونه اخیر است که مسئولیت سازندگی و تربیت خود را به عهده دارد.

البته خدای سبحان علاوه بر خلقت موجودات، هدایت آنها را به سوی کمال بر عهده دارد.^(۱۸) به گونه‌ای راه کمال و سعادت را به آنها می‌نماید و در ایصال به مطلوب به آنها یاری می‌رساند. با ملاحظه مراتب موجودات می‌توان برای هدایت الهی مراحل را برشمرد: یک - هدایت تکوینی: خدا در این مقام هر موجودی را با قرار دادن میل و استعدادی در او به سوی کمال و جودیش رهنمون می‌شود. دو - هدایت تشریحی: در میان موجودات آفرینش، انسان موجودی متفکر و اندیشمند است و کمال او تنها از راه اندیشه صحیح تأمین می‌شود. افعال ارادی خود را از سراعقاد انجام می‌دهد و به همین سبب در انتخاب راه و گزینش مسیر کمال حقیقی نیازمند هدایت بیشتری است. علاوه بر آن انسان طبیعی، خودخواه و نفع پرست است و به حکم زندگی اجتماعی میان امیال و خواسته‌های انسانها در اجتماع، تزاخم و تعارض رخ می‌دهد. لذا لازم است انسانها امیال خود را تا حدودی کنترل، و در صورت بروز نزاع به قوانین معتبر مراجعه کنند. خدای سبحان در پی اصل هدایت عامه در مورد انسان، این نیاز فوری و ضروری او را با بعثت انبیا و فرو فرستادن کتابهای آسمانی پاسخ می‌دهد. البته انسان در انتخاب دین و التزام عملی به آن کاملاً اختیار دارد و می‌تواند با حسن انتخاب خود مطابق شریعت حق رفتار کند و به سعادت برسد یا اینکه با سوء اختیار خویش از آن اعراض کند و به شقاوت ابدی محکوم شود.^(۱۹) سه - هدایت پاداشی: در برابر هدایت تشریحی، انسانها در دو جبهه مقابل قرار دارند: گروهی تقوا و سرمایه فطرت را حفظ کرده و در نزاع درونی میان فطرت و طبیعت همواره به سوی فطرت گراییده و زندگی خود را برابر شریعت تنظیم کرده‌اند. خداوند در مورد این گروه از سر لطف آنها را مورد هدایت خاص قرار می‌دهد. بخوبی پیداست که این هدایت در پی اثبات استحقاق و لیاقت مؤمن در مرحله پیشین است و لذا هیچ‌گونه منافاتی با عدالت خدای

سبحان ندارد. گروه دیگر کسانی هستند که با خاموش کردن نور فطرت خود از هدایت تشریحی اعراض کرده‌اند. خداوند فیض خاص خود را از چنین افرادی دریغ کرده، آنها را به خود وامی‌گذارد و این عمل به افزایش امراض قلبی و سقوط آنها می‌انجامد. (۲۰)

بنابراین هدایت الهی در خصوص انسان، دو مرحله دارد: یک - هدایت ابتدایی: که همان هدایت از طریق عقل و وحی است. دو - هدایت پاداشی، که خداوند با آن تنها مؤمنان و پرهیزکاران را به مطلوب می‌رساند و آنها را در انجام طاعات و عبادات و پرهیز از محرمات موفق و مؤید می‌کند. (۲۱)

بدیهی است تنها با ایمان ظاهری و ادعای اسلام، نمی‌توان مشمول هدایت خاص الهی شد. لذا هرگونه برخورداری از هدایت پاداشی به اثبات شایستگی و توانایی فرد مشروط است. به همین جهت خدای متعال انسان را در صحنه‌های مختلف و با ابزار گوناگون مورد "آزمایش" قرار می‌دهد. لذا خدا در درون انسان از سویی نفس و امیال نفسانی و از سوی دیگر فطرت، عقل و خواسته‌های انسانی را قرار داده است تا او به هر سمت "فجور و بدیها" و "تقوی" کشیده شود (۲۲) تا او با اختیار تمام، راه سعادت را برگزیند و لیاقت خود را برای بهره‌مندی از هدایت خصوصی الهی به اثبات رساند. به این ترتیب یکی از سنتهای تغییرناپذیر الهی و نوامیس آفرینش، آزمایش انسان است. (۲۳) از تأمل در آیات قرآنی (۲۴) درباره ابتلا و امتحان چنین برمی‌آید که "دنیا" محل امتحان آدمی است و آنچه خدا در عالم طبیعت آفریده است در حوزه امتحان انسان قرار دارد. به این ترتیب اعطای تمامی نعمتها، وجود تمام سختیها و شدائد، وجود محرومیتها امتحانات تکوینی انسان به شمار می‌آیند. علاوه بر آن تکالیف الهی از جمله جهاد و دفاع، نیز برای آزمایش انسانها و تمییز میان مؤمنان راستین و مدعیان دروغزن وضع شده‌اند. گرچه در این جهت فرقی میان تکالیف وجود ندارد، قرآن کریم نرعاً در موارد جهاد، هجرت و صبر تعبیر امتحان و آزمون را به کار برده است. (۲۵)

تقدیم جان یا بذل مال؟ کدامیک وظیفه است؟

گروهی می‌پندارند هنگام جهاد و دفاع با انفاق مالی و تقبل بخشی از مخارج جبهه‌ها می‌توان از حضور در میدان جنگ معاف بود. بر اساس این گمان با بذل مال می‌شود به همان اجر و ثوابی نایل آمد که مجاهدان و رزمندگان با تقدیم جان خویش تحصیل می‌کنند. احیاناً این گروه در تأیید نظر خود به برخی از آیات قرآن استشهاد می‌کنند. (۲۶) بدیهی است در راه دفاع از آیین حق، تقدیم مال هم لازم است و می‌توان آن را جهاد مالی نامید. گرچه به مؤمن آموخته‌اند که برای حفظ جان خود از مال بگذرد، او موظف است برای حفظ دین از جان خود دریغ نداشته باشد. برخی از مردم ترجیح می‌دهند به جای شرکت در جبهه‌ها و به خطر افتادن "جان" بخشی از اموال خود را در راه پیشبرد اهداف نظام اسلامی تقدیم کنند. این گروه غالباً از آن جهت که مال قابل جبران است از آن دریغ ندارند. شاید به همین جهت است که در بسیاری از آیات قرآنی جهاد مالی مقدم بر جهاد با نفس ذکر شده است. در عین حال باید دانست که خدا از هر کسی مال و انفاق مالی را نمی‌پذیرد، بلکه جهاد مالی کسی را قبول می‌کند که حاضر است جان خود را در راه دفاع از دین نثار کند. البته می‌توان گفت اگر خدا حاضر به قبول جهاد مالی از مؤمنان است به این سبب است که چنین افرادی در واقع با انفاق مال تا حدودی و در سطح نازلی "خود" را به خدا تقدیم می‌دارد. آن که از آبروی خود می‌گذرد یا از فرزند خود در راه خدا چشم می‌پوشد به گونه‌ای جان خود را قبل از این به خدا عرضه داشته است. به همین جهت می‌توان گفت خدا مشتری "جان" مؤمن است؛ آن را می‌خواهد و می‌خرد. (۲۷)

تصویر جنگ و جهاد در دو دیدگاه مختلف

در نظر بسیاری از مؤمنان، قتال و جنگ، تکروه و ناگوار است. (۲۸) در عین حال برخی از اهل ایمان با اشتیاق و محبت تمام در جبهه‌ها حضور پیدا می‌کنند. برخی از آیات قرآنی تصویرگر صحنه‌های پرشور اعزام به جبهه‌ها و حزن و اندوه ناشی از

محرومیت از جهاد است.^(۲۹) بدون تردید این احساس کراهت و بی میلی در میان بیشتر مؤمنان عمومیت دارد و طبیعی به نظر می رسد. مفسران درباره اینکه چرا جهاد به عنوان عبادت، مکروه برخی از مؤمنان است و جوهی را برمی شمارند؛^(۳۰) از جمله: یک - هنگام جنگ طبیعتاً عده ای از بین می روند، حداقل خستگی و جراحت از دست دادن دائمی سلامت، خسارات و ضررهای مالی فراوان، سلب آسایش عمومی، ناامنی، دوری از خانواده، گرانی و قحطی ناشی از حصر اقتصادی در جنگ قابل انتظار و پیش بینی است. تحمل بسیاری از این امور برای اغلب مؤمنان دردآور بوده و طبیعی است آنها نسبت به درد و رنج و عامل موجد آن میل چندانی نداشته باشند. دو - گروهی از اهل ایمان نه به خاطر ترس از دست دادن جان و مال و امنیت بلکه با توجه به وضعیت اجتماعی و نامساعد بودن اوضاع جامعه و نداشتن امکانات لازم از جنگ استقبال نمی کنند. اینان در واقع در آن زمان احتمال پیروزی سپاه حق را نمی دهند و به این جهت به جنگ رغبتی ندارند. سه - برخی از مؤمنان از سر رحمت و شفقت و انسان دوستی از جنگ و خونریزی پرهیز دارند و قلباً ترجیح می دهند کفار و مشرکین را از راه های صالح آمیز مانند احسان و امتجاج و موعظه به سوی خدا و دین دعوت کنند. یادآوری می شود که خداوند هرگز به خاطر وجود این احساس بی میلی نسبت به جنگ، این گروه از مؤمنان را نکوهش نکرده است مگر اینکه مؤمنی در پی این احساس از حکم الهی منزجر باشد و از امثال فرمان الهی به هنگام ضرورت سرباززند. بدیهی است این نافرمانی، نقص ایمان آن فرد تلقی می شود. به همین سبب قرآن کریم در مواردی منافقان و مؤمنان سست ایمان را مورد عتاب قرار داده است.^(۳۱) زیرا این گروه علاوه بر احساس کراهت نسبت به جنگ به حکم الهی اعتراض می کنند و نه تنها از جهاد سر می تافتند بلکه حتی الامکان دیگران را از رفتن به جبهه ها منع می ساختند. در عین حال برخی از آنها با وجود احساس بی میلی نسبت به جنگ در مقابل حکم الهی سرتسلیم فرود می آوردند.

گرچه قرآن کریم از وجود احساس کراهت در میان بیشتر مؤمنان نسبت به جنگ

و جهاد خبر می‌دهد، در عین حال می‌کوشد این احساس را به محبت و اشتیاق مبدل سازد.^(۳۲) لذا گاه برای تصحیح طرز تفکر ایشان دریچه تازه‌ای بر روی آنها می‌گشاید و صریحاً اظهار می‌دارد^(۳۳) که معیار احساس کراهت و محبت مؤمن، احکام الهی است و انسانی که خبر از مصالح و مفاسد امور ندارد باید به تمامی او امر الهی مشتاق، و از تمامی نوامی شرع منزجر باشد. تنها خداست که از تمامی اسرار نهفته آگاه است و می‌داند که در همین زمان جنگ برای شما چه برکاتی دارد؛ برکاتی که همه آن دردها، شهادتها و خسارات مالی را جبران می‌کند. او آگاه است که آیا با وجود امکانات موجود، پیروزی امکانپذیر است یا نه. او اطلاع دارد که آیا دشمنان از راه‌های دیگر قابل هدایتند یا نه. به هر حال آنچه بر عهده شماست اطاعت فرمان الهی است و پیروزی و سایر آثار و نتایج مثبت جهاد را خدا خود بر عهده گرفته است. البته انسان از این راه می‌تواند آن احساس کراهت و بی‌میلی را کاهش دهد، لیکن بهترین راه برای درمان این احساس این است که مؤمن با فروش دنیای خود در مقابل خرید آخرت و رضایت الهی به مقامی از مقامات ایمانی نایل شود که نسبت به قتال عشق بورزد و عاشقانه به میدان نبرد قدم گذارد. ولی اگر کسی هنوز به این مقام دسترسی ندارد و شیفته جنگ نیست، بداند که خیر او در شرکت در جهاد است و حتی با وجود آن احساس بی‌میلی به قتال تن دهد. این راه اگر چه نسبت به آن راه دیگر قطعی و دائمی نیست، وسیله بسیار خوبی برای دل‌کندن از دنیا به شمار می‌رود.

گروه‌های مردمی در برابر جنگ و جهاد

به هنگام وجوب جهاد، خواه جهاد ابتدایی در زمان معصوم (علیه‌السلام) و خواه جهاد دفاعی در سایر دورانها، آنگاه که رهبر یا رهبران دینی، مؤمنان و اقشار مختلف مردم را به حضور در جبهه‌های نبرد فرا می‌خوانند آنها در برخورد و رویارویی با پدیده جنگ در چند گروه مختلف جای می‌گیرند. قرآن کریم نیز بطور مشخص از این گروه‌ها یاد می‌کند و ضمن تحلیل برخورد هر یک از این طبقات،

برخی از آنها را مورد نکوهش قرار می دهد و تنها از بعضی به عظمت یاد می کند. این گروه ها عبارتند از:

یک - مجاهدان و رزمندگان. در این گروه افرادی با سوابق مختلف علمی، عملی و معنوی حضور دارند که با وجود اختلاف مدارج در صف واحدی قرار گرفته اند. تنها میزان رشادتهای آنها در میدان نبرد باعث تمایز و تفاوت رتبه آنها نیست بلکه مقدار تلاش و توفیقی که هر یک از آنها پیش از این در اصلاح خود و تربیت جامعه و خدمت به مردم و تحصیل علم داشته است تعیین کننده رتبه آنها در میان مجاهدان و میزان اجر و ثواب آنهاست و خدای متعال به هر رزمنده با توجه به میزان فضل و معرفت و سابقه و رشادت او اجر خواهد داد. قرآن کریم در موارد متعددی از این گروه تجلیل می کند. (۳۴) از تأکید قرآن در تشویق و دعوت مؤمنان به جهاد در راه خدا می توان چنین استفاده کرد که اسلام در صدد ساختن جامعه ای است که همه افراد آن به وقت ضرورت و نیاز، حاضر به فداکاری و جان نثاری در راه حفظ آیین حق باشند. تعظیم و تکریم رزمندگان از سوی قرآن همه در این راستاست. تعبیرهای بلند و شورآفرین و خاضعانه امام و قدوه صالحان زمان: خمینی کبیر (رحمة الله علیه) درباره مقام و منزلت بسیجیان و رزم آوران در دوران دفاع مقدس تنها در این صورت قابل فهم است. (۳۵)

دو - معذوران. این گروه کسانی هستند که به جهت عذرهایی وظیفه جهاد از ایشان برداشته شده است از جمله افراد بیمار، سالخوردگان، آنها که برای رویارویی با دشمن امکانات و اسلحه لازم ندارند؛ زنان و کودکان. از این میان قرآن کریم به برخی از افراد معذور اشاره کرده و عدم حضور ایشان در جبهه ها را موجه دانسته است. (۳۶) بی تردید می توان گفت این گروه در اجر و ثواب جهاد هیچ سهمی نخواهند داشت مگر اینکه از راهی دیگر به تحصیل کمالاتی نایل آیند یا اینکه آرزوی شرکت در جبهه ها آنها را به فضیلت و شرف دیگری رسانیده باشد. (۳۷)

سه - بازا استادگان و قاعدین. این گروه با وجود توانایی، صحت و امکانات بدون هیچ عذر قابل قبولی از شرکت در جهاد شهوداری می کنند همچنانکه مجاهدان و

رزم‌آوران جبهه‌ها به نسبت کمالات و فضائلشان درجات و مراتبی دارند این گروه نیز یکسان نیستند. اقشار متفاوتی در این گروه جمع شده‌اند: منافقانی که هم خود از حضور در جبهه‌ها خودداری می‌کنند و هم دیگران را از شرکت در جهاد باز می‌دارند؛ مردمی که تنها از سر جبن و ترس در منزل خود زمینگیر شده‌اند ولی در همان حال رزمندگان صحنه‌های نبرد را تحسین می‌کنند و به حال آنها غبطه می‌خورند؛ برخی از سر راحت‌طلبی و عادت به زندگی راحت و آسوده رزمندگان را همراهی نکرده‌اند؛ گروهی به جهت علاقه به دنیا و مال و جاه و خاندان خود به جبهه نرفته‌اند. گرچه هر یک از این اقشار به بهانه‌ای به رزمندگان نپیوسته‌اند، سرانجام همه آنها در عمل در مسیر واحد و انحرافی قرار گرفته‌اند و آن اینکه آنگاه که ولی زمان و رهبر یا رهبران دینی برای حضور در جبهه‌ها فراخوانی کرده‌اند ایشان از دنیای خود برای دین خدا و حفظ نظام اسلامی نگذشته‌اند. قرآن کریم در مواردی به این گروه و سخنان و بهانه‌های ایشان در توجیه کار خود اشاره کرده است. (۳۸) و به صورتهای مختلف آنها را نکوهش می‌کند. گاه آنها را دارای قلبهای مریض و بیمار می‌داند و گاهی به شعارها و گفته‌های خالی از حقیقت آنها اشاره دارد.

چهار - آرزومندان محروم از جهاد. این گروه برای شرکت در جهاد خود را تجهیز و آماده کرده‌اند؛ آمادگی خود را قبلاً به رهبر اعلام می‌کنند؛ اقدامات لازم برای رفتن به جبهه‌ها را انجام می‌دهند لیکن به عللی از رفتن محروم می‌شوند؛ مثلاً امکانات لازم برای اعزام آنها وجود ندارد یا رهبران، آنها را برای مسئولیت مهمی در نظر گرفته‌اند (۳۹) یا اینکه جبهه‌ها مملو از ایثارگران است و دیگر به وجود آنها نیازی نیست. ظاهراً چنین افرادی هم مانند دو گروه قبل به جبهه اعزام نشده‌اند و احیاناً از نظر ظاهربین، این‌گونه افراد به جهت عدم شرکت در جهاد، همتای مجاهدان نیستند و از ثواب و اجر جهاد بهره‌ای ندارند؛ لیکن شگفت اینک قرآن کریم نه تنها از ایشان به بدی یاد نمی‌کند بلکه آنها را چنان توصیف و تجلیل می‌کند که می‌تواند نوعی تحسین آنها به شمار آید. تفاوت مهمی که میان این گروه و طبقه معذوران وجود دارد حالت حسرت و غبطه و شیفتگی آنها برای حضور در جبهه‌هاست. این

آرزومندی و مشتاقی همراه با خلوص نیت و معرفت به دور از هرگونه ادّعی کاذب و احساس تصنعی از نظر خدای متعال پنهان نمی ماند. گرچه قرآن کریم ظاهراً از این گروه تنها رفع تکلیف می کند^(۴۰) ولی با توجه به منابع دینی و اصالت نیت فاعل و ارزش آرزوهای باطنی و قلبی این افراد یقیناً همتای مجاهدان هستند و اجر و ثواب آنها را دارند؛^(۴۱) به عبارت دیگر هرگز نمی توان این گروه را از جمله قاعدین دانست. ای بسا برخی از حرکتها و فعالیتهای ایشان در پشت جبهه برای حفظ نظام دینی از جنگ و جهاد برخی دیگر بسیار ارزنده تر باشد.

پنج - مسؤلان مشاغل غیرکلیدی و حتی جویندگان علم و معرفت در دورانی که حضور در جبهه ها واجب کفایی است و بدین سبب برخی از مؤمنان به جهت اشتغالات و علائق خود از حضور در جبهه ها خودداری کرده اند و در پشت جبهه ها در شهرهای امن و آرام و وظائفی را به عهده داشته یا در حال تحصیل علم بوده یا در سمت وزارت و وکالت و... قرار داشته اند. در نظر ابتدایی ممکن است پاداش این گروه همچون اجر و ثواب رزمندگان ملاحظه شود، لیکن خداوند گرچه این گونه افراد را به عاقبت حسنی و انجام نیک بشارت می دهد ولی به صراحت برتری رزمندگان جبهه های نبرد بر این گروه را اعلان کرده است. البته این داوری قرآن کریم هیچ گونه استبعاد و تعجیبی ندارد. زیرا این گروه در فضای امن و آرام پشت جبهه ها که به برکت ایثارگریهای رزمندگان فراهم آمده به فعالیت مشغولند. این حقیقت بخوبی از تأمل در برخی از آیات قرآنی قابل استفاده است.^(۴۲)

شش - مجاهد پروان. اینان علمای ربانی هستند که به عنوان خواص جبهه حق با شورآفرینی ها و فرهنگ سازیهای خود آیین رزم آوری و جهاد را در میان مؤمنان احیا می کنند. از نفس گرم ایشان، گروه عظیم مؤمنان گروه گروه به سمت جبهه ها روان می شوند. بدون تردید خیل بی شمار هنرمندان و اهل قلم که در مسیر فرهنگ جبهه و جنگ فعالیت دارند. باید در این گروه قرار گیرند. هنرمندانی که در عرصه های مختلف هنری یک "آن" از رسالت و اهداف مقدس خود فاصله نگرفته اند. بسیجیان و ایثارگران در دامان این گروه پرورش می یابند و صد البته

روایت شریف "مداد العلماء افضل من دماء الشهداء" تنها دربارهٔ این گروه از علما صادق است و گرنه آن عالمی که از فضای امن پشت جبهه‌ها که به برکت رزم‌آوران به وجود آمده بهره می‌گیرد ولی خود را نه تنها وامدار آنها نمی‌بیند بلکه حتی در مقابل فرهنگ جبهه و جهاد فعالیت دارد هرگز نمی‌تواند همپای رزمندگان به شمار آید.

هفت - بانوان. بدون تردید زنان را باید سرچشمه صلاح و فساد جامعه دانست. اینان همسران و مادران افراد خانواده هستند و اشخاص در دامان آنان پرورش می‌یابند.^(۴۳) به این ترتیب در دوران دفاع و جهاد، مهمترین نقشها از آن بانوان و مادران است. گاه این نقش در پشت جبهه و به هنگام تشویق و تجهیز همسران، برادران و فرزندان خود برای گسیل به جبهه‌ها ایفا می‌شود.^(۴۴) دربارهٔ چنین نقش غیرمستقیمی هیچ کس تردیدی ندارد.^(۴۵) ولی ممکن است بعضی با استناد به روایت شریف پیامبرگرمی اسلام (صلی الله علیه وآله) - "جهاد زن این است که خوب شوهرداری کند" - در صدد نفی و انکار نقش مستقیم زن در جبهه‌ها و حضور فعال وی در صحنه‌های نبرد برآیند.^(۴۶) در حالی که زن می‌تواند در میدان جهاد وظایف مهمی از قبیل کمکهای تدارکاتی، امداد رسانیهای پزشکی و بهداشتی، فعالیت در قسمتهای نقشه‌کشی و نقشه‌برداری را به عهده بگیرد. اگر در برخی از تعالیم دینی گفته می‌شود که جنگ و جهاد و مبارزه وظیفهٔ زن نیست این حکم تنها مربوط به دوران جهاد ابتدایی است ولی در دوران دفاع، زن نیز همانند مرد موظف به دفع خطر دشمنان دین است و پیش از آن باید فنون نظامی را بیاموزد تا هنگام دفاع قادر به ایفای نقش خود باشد.^(۴۷) از آنچه بیان شد نباید چنین برداشت شود که زنان در هماره تاریخ تنها نقش مثبت داشته‌اند بلکه می‌توان در مقابل به مواردی در تاریخ اشاره کرد که زن در صحنه‌های مختلف اجتماعی از جمله دوران جهاد و دفاع نقش مثبتی ایفا نکرده است. به همین جهت در برخی از آیات گروهی از زنان و فرزندان دشمنان انسان خوانده شده‌اند و به مؤمن توصیه شده است که از آنها دوری کند.^(۴۸) در مورد نقش مستقیم و غیرمستقیم، مثبت یا منفی بانوان در ساختن تاریخ و جامعه

بشری لازم است مطالعه مستقل و جامعی صورت پذیرد. (۴۹)

یادداشتها

- ۱- آیت الله خامنه‌ای، عبرتهای عاشورا، ص ۲۱
- ۲- همان، ص ۲۳
- ۳- میزان الحکمة، جلد ۲، ص ۱۲۵، حدیث ۲۶۶۹
- ۴- برای تفصیل بنگرید به: استاد مطهری، آشنایی با قرآن، جلد ۳، ص ۱۷۷ - ۱۸۰
- ۵- امام خمینی (رحمة الله علیه)، صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۳۳۹ - ۳۴۰
- ۶- رسول جعفریان، سیره رسول خدا، جلد ۱، ص ۶۱۳ - ۶۱۴
- ۷- میزان الحکمة، جلد ۲، ص ۱۲۴، حدیث ۲۶۶۵
- ۸- تمام مباحث ۲۴ کتاب فقهی درباره جهاد به ترتیب زمانی در کتاب جامعی گزارش شده است. بنگرید به:
 - الجهاد من اربعة و عشرين متناً فقهياً من سلسلة البناييع الفقهيه. به کوشش علی اصغر مروارید
 - ۹- برگرفته از: رسول جعفریان، سیره رسول خدا، جلد ۱، ص ۲۴۰ - ۲۴۱
 - ۱۰- برای تفصیل بنگرید به: همان، ص ۲۶۱ - ۲۶۱ و ص ۳۹۳
 - ۱۱- برای تفصیل بنگرید به: استاد مطهری، جاذبه و دافعه علی (علیه السلام)، ص ۳۴ - ۹۰
 - ۱۲- برای تفصیل بنگرید به: مصطفی دلشاد نهرانی، سیره نبوی، دفتر سوم، ص ۱۱۵ - ۱۱۹
 - ۱۳- امام سجاد (علیه السلام) در پاسخ فردی، چگونگی دعوت به اسلام را قبل از آغاز جنگ شرح داده است. برای تفصیل بنگرید به: رسول جعفریان، سیره رسول خدا، جلد ۱، ص ۳۹۴، به نقل از فروع کافی
 - ۱۴- تجویز و تشریح حکم جهاد در اسلام نه برای ارضای شهوت جنگ طلبی و افزونخواهی قوم عرب جاهلی بوده بلکه صرفاً برای رهایی انسانها از بند ستم و احقاق حقوق از دست رفته ایشان و نهایتاً برای دعوت مردم به حق بوده است. برای تفصیل بنگرید به: رسول جعفریان، همان، ص ۴۰۳ - ۴۰۴
 - ۱۵- مبلغان مسیحی، اسلام را دین شمشیر و خون نامیده‌اند. برخی دیگر دورانهای خاصی از تاریخ اسلام را دوران شمشیر نام نهاده‌اند مانند ویل دورانت که در گزارش فصل مربوط به تاریخ حوادث اسلام، سال یازدهم هجرت به بعد را شمشیر اسلام نامیده است. برای تفصیل بنگرید به: رسول جعفریان، همان، ص ۴۰۴ و ویل دورانت، تاریخ تمدن، جلد ۴، ص ۲۴۱

- ۱۶- برای تفصیل بیشتر بنگرید به: استاد مطهری، جهاد، ص ۱۷- ۱۸ و ص ۲۳- ۲۴
- ۱۷- از نظر علامه طباطبایی افعالی که از موجودات سر می‌زند اضطراری - طبیعی - یا ارادی هستند. افعال ارادی خود دو گونه‌اند: اختیاری و جبری. برای تفصیل بیشتر بنگرید به: علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱، ص ۱۶۳- ۱۶۶
- ۱۸- بنابر: سوره طه، آیه ۵۰، سوره لیل، آیه ۱۲
- ۱۹- مطابق سوره انسان، آیه ۳
- ۲۰- برای تفصیل مطلب درباره هدایت پاداشی و اضلال کیفری بنگرید به: علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱، ص ۶۸- ۷۴ و آیت الله عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن، جلد ۴، ص ۱۷۱- ۱۷۶
- ۲۱- برابر آیات ۵ تا ۱۰ سوره لیل باید گفت کار خدا تنها آسان کردن راه و طی طریق است. اهل تقوی که در آغاز بسختی قادر به کنترل خود و غلبه بر هوای نفس بودند بتدریج به توفیق الهی پرهیز از گناه، انجام خیرات، تهجد، تحصیل علم، جهاد برایشان آسان می‌شود. در مقابل آن، تبهکاران بتدریج به آسانی تن به گناهانی می‌دهند که در ابتدا با سختی و زحمت به آن راضی می‌شدند.
- ۲۲- برابر سوره شمس، آیات ۷ و ۸
- ۲۳- لذا اگر کسی در مقام دعا از خدا بخواهد او را مورد آزمایش قرار ندهد هرگز این دعا مستجاب نمی‌شود مگر اینکه انسان از خدا بخواهد او را به اندازه ایمان و توانش امتحان کند؛ هنگام امتحان به او توفیق دهد و او را به حال خود واگذارند.
- ۲۴- از تأمل در مجموعه آیات قرآنی در این باب می‌توان به حقایق بسیار نفیسی دست یافت. صاحب این قلم پیش از این در موضوع "انسان در آزمایش الهی" توفیق تحقیق داشته است. بخشی از آن را بنگرید در: فاطمه صادق زاده، مقاله "راه پیشگیری از انحراف خواص در تعالیم دینی" فصلنامه مصباح، شماره ۲۳
- ۲۵- نظیر سوره محمد، آیه ۲۱، سوره توبه، آیه ۱۶، سوره آل عمران، آیه ۱۴۲
- ۲۶- در بعضی از آیات قرآنی در کنار جهاد به انفس و حتی پیش از آن جهاد به اموال مطرح شده است نظیر سوره نسا، آیه ۹۵، سوره انفال، آیه ۷۲، سوره توبه، آیه ۲۰ و موارد دیگر
- ۲۷- تنها در یک آیه قرآن "جهاد به انفس" پیش از "جهاد مالی" ذکر شده و آن موردی است که به مشتری بودن خدا اشاره دارد: سوره توبه، آیه ۱۱۱
- ۲۸- برابر سوره بقره، آیه ۲۱۶

۲۹- نظیر سوره توبه، آیه ۹۲

۳۰- برای تفصیل بنگرید به: جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، جلد ۲، ص ۶۴- ۶۶

علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۲، ص ۲۳۰

آیت الله جوادی آملی، تفسیر تربیتی قرآن، ذیل سوره بقره، آیه ۲۱۶

۳۱- نظیر سوره بقره، آیه ۲۴۶، سوره آل عمران، آیه ۱۵۴، سوره نساء، آیه ۷۷، سوره توبه، آیه ۸۱

۳۲- برگرفته از: آیت الله جوادی آملی، تفسیر تربیتی قرآن، ذیل سوره بقره، آیه ۲۱۶

۳۳- در همان آیه‌ای که خدای متعال خبر از نوعی احساس بی میلی نسبت به جنگ و قتال می‌دهد در ادامه با

ملایمت تمام معیار دیگری ارائه می‌دهد: سوره بقره، آیه ۲۱۶

۳۴- نظیر سوره انفال، آیات ۷۲ و ۷۷، سوره توبه، آیات ۲۰ و ۸۸، سوره مائده، آیه ۵۴

۳۵- نظیر تعابیر زیر: "ولی حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایشار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهد بود؟! بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین حدیث عشق می‌دهد... بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده‌اند. من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند. چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام."
برگرفته از: امام خمینی (رحمة الله علیه)، صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۵۲- ۵۳

۳۶- برابر سوره توبه، آیه ۹۱

۳۷- در این صورت نیز چون دارای اوصاف و شرایط گروه چهارم که پس از این بیان می‌شود، هستند، حکم آن

گروه در مورد ایشان صدق می‌کند و گر نه صرف معذور بودن نمی‌تواند برای کسی اجری به همراه آورد.

۳۸- از جمله: سوره محمد، آیه ۲۰، سوره نور، آیه ۶۳، سوره احزاب، آیه ۱۵، سوره نساء، آیه ۷۲

۳۹- نظیر عدم حضور امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در غزوه تبوک که به صلاح‌دید و نظر شخص

پیامبر (صلی الله علیه و آله) از همراهی با ارتش اسلام بازماند و برای خشنی کردن تشنه‌های منافقان مأمریت یافت در

مدینه بماند. برای تفصیل بیشتر بنگرید به: جعفر سبحانی، فروغ اهدیت، جلد ۲، ص ۷۷۵- ۷۷۷

۴۰- سوره توبه، آیه ۹۲. در ابتدای این آیه به گروه معذوران از حضور در جبهه‌ها اشاره شده است و در ادامه

می‌فرماید: "برگروهی که نزد تو آمدند تا تو به آنها مرکب بدهی و به جبهه روانه شوند و تو مرکبی در اختیار نداشتی که

بدیشان دهی و آنها از غم نداشتن مال برای تهیه مرکب و سلاح با چشم اشکبار از نزد تو برگشتند، حرجی نیست."

- ۴۱- در کتابهای تاریخ به این گروه که با تمامی میل و رغبت نزد پیامبر آمدند تا او ایشان را تجهیز، و به جبهه‌ها اعزام کند ولی سرانجام از شرکت در جبهه‌ها بازماندند و با چشمان اشکیار به خانه‌شان بازگشتند "بکائین" - گریه کنندگان - اطلاق شده است. برای تفصیل بنگرید به: جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، جلد ۲، ص ۷۷۴ - ۷۷۵
- ۴۲- نظیر سوره نساء، آیه ۹۵. در این آیه ابتدا یکسان بودن مرتبه مجاهدان و قاعدین غیر معذور نفی شده است و سپس هر دو گروه را به وعده حسنای الهی بشارت می‌دهد. از آنجا که به گروه قاعدین غیر معذور هم وعده حسنی داده است استفاده می‌شود که این قاعدین نه از گروه دوم هستند و نه از گروه سوم. زیرا اگر در دوران جهاد واجب به جنگ پشت کرده بودند خدای حکیم به آنها وعده حسنی نمی‌داد.
- ۴۳- به تعبیر صریح امام راحل (رحمة الله علیه): "صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند و می‌تواند به عکس آن باشد." امام خمینی (رحمة الله علیه)، صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۱۲۵
- ۴۴- به بیان امام راحل (رحمة الله علیه): پیروز و سرافراز باد نهضت اسلامی زنان معظم ایران. افتخار بر این قشر عظیمی که با حضور ارزشمند و شجاعانه خود در صحنه دفاع از میهن اسلامی و قرآن کریم انقلاب را به پیروزی رسانده و اکنون هم در جبهه و پشت جبهه در حال فعالیت و آماده فداکاری هستند. رحمت خداوند بر مادرانی که جوانان نیرومند خود را به میدان دفاع از حق فرستاده و به شهادت ارجمند آنان افتخار می‌کنند. امام خمینی (رحمة الله علیه)، صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۰۱
- ۴۵- از جمله می‌توان به نقش مهم، سازنده و بسیار تعیین کننده همسر فهیم زهیر ابن قین در تصمیم تاریخی وی در مورد پیوستن به سپاه سیدالشهدا (علیه السلام) اشاره کرد. برای تفصیل بنگرید به: دکتر ابراهیم آیتی، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۱۶۴
- درباره نقش خانواده‌های ایثارگران بنگرید به: آیت الله حسین نوری، جهاد، ص ۱۵۸ - ۱۶۸
- ۴۶- این روایت در پاسخ سؤال نماینده زنان، اسما بنت یزید انصاری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است. مهمترین بخش سؤال اسما این بود که آیا در حالی که زن در داخل خانواده تمامی وظایف مربوط به شوهر و فرزندانش را به عهده دارد و در همان حال مرد خانواده موفق به عباداتی چون جهاد می‌شود این زن از اجر و ثواب همسر خود سهمی دارد یا نه؟ برای تفصیل بنگرید به: علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۴، ص ۵۵۳ - ۵۵۸
- ۴۷- برگرفته از آیت الله جوادی آملی. زن در آینه جلال و جمال، ص ۳۹۱ - ۳۹۲

۴۸- برابر سوره تغابن، آیه ۱۴. البته احتمالاً چنین زنانی به جهت دشمنی با ایمان همسرشان عدوی ایشان نامیده شده‌اند. چنین زنانی بدان علت که همسرشان ایمان دارند. با آنها دشمنی می‌ورزند و مایلند همسرانشان از اصل ایمان یا اعمال صالحی که مقتضای ایمان است - از قبیل انفاق و جهاد - منصرف شوند نه اینکه همسر این‌گونه افراد مؤمن دشمن ظاهری آنها باشند.

۴۹- برای تفصیل در این باب بنگرید به: استاد مطهری، حماسه حسینی، جلد ۱، ص ۳۱۹-۳۳۷

رمضان فؤادیان، سیری در جهاد، ص ۱۸۳ - ۱۹۳

منابع و مآخذ

- ۱- آشنایی با قرآن، استاد مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۶۵
- ۲- بررسی تاریخ عاشورا، ابراهیم آینی، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۸
- ۳- تاریخ تمدن، ویل دورانت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
- ۴- تفسیر تربیتی قرآن، آیت الله جوادی آملی، زیر چاپ
- ۵- تفسیر موضوعی قرآن، آیت الله جوادی آملی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ سوم، ۱۳۶۵
- ۶- تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶
- ۷- جاذبه و دافعه علی (علیه السلام)، استاد مرتضی مطهری، تهران، صدرا
- ۸- جهاد، آیت الله حسین نوری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶
- ۹- الجهاد من اربعة و عشرين متناً فقهاً من سلسلة النبا بیع الفقیه. بد کوشش علی اصغر مروارید، قم، مرکز بحوث الحج و العمرة

۱۰- جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن، استاد مرتضی مطهری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱

۱۱- حماسه حسینی، استاد مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۶۵

۱۲- زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۱

۱۳- سیره رسول خدا، رسول جعفریان، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳

۱۴- سیره نبوی، مصطفی دلشاد تهرانی، دفتر سوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳

۱۵- سیری در جهاد، رمضان فؤادیان، تهران، فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴

۱۶- صحیفه نور، امام خمینی (رحمة الله علیه)، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱

- ۱۷- عبرتهای عاشورا، آیت الله خامنه‌ای، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۷۶
- ۱۸- فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
- ۱۹- میزان الحکمة، محمدی ری‌شهری، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲
- ۲۰- مصباح (فصلنامه علمی و تخصصی علوم انسانی)، پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، شماره ۲۳، پاییز ۷۶
- ۲۱- میزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی (رحمة‌الله‌علیه)، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی